

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# عقاید خاصه شیعه

کرایش فقه و اصول

## درس ۵

استاد: حجت الاسلام والمسلمین طبسی

آموزشیار: آقای کارگر

**مقدمه:**

بر اساس آنچه گذشت ضمن آشنایی با گستره‌ی معنایی شفاعت به بررسی و اثبات مشروعیت درخواست شفاعت از اولیای الهی در دنیا، با تکیه بر آیات، روایات و شواهد تاریخی، پرداختیم. در این درس تلاش خواهد شد تا ضمن ادامه‌ی مباحث گذشته، به مقوله‌ای استغفار از دیده‌ی آیات پردازیم. در رابطه با درخواست شفاعت از اولیای الهی در دوران زندگی و پس از آن شبهاتی مطرح شده که عمده‌ی این شبهات از سوی وهابیون عنوان شده است. در ادامه‌ی این درس با ذکر شبهات طرح شده از سوی وهابیون بر آنیم تا با تکیه بر آیات و روایات در سدد پاسخ به این شبهات برآئیم.

## استغفار از دیده آیات

حال که سخن از استغفار به میان آمد ، جا دارد این موضوع را از دیدگاه آیات و روایات بررسی نماییم. آیات بسیاری در این باره در قرآن کریم آمده است که به چند نمونه اشاره می‌نماییم :

### ۱. در سوره منافقون می‌خوانیم :

« و إذا قيل لهم تعالوا يستغفر لكم رسول الله لووا رؤسهم و رأيتهم يصدون و هم مستكبرون »<sup>۱</sup>

هنگامی که به آنان گفته شود : بیایید تا پیامبر خدا برای شما آمرزش بخواهد ، سرهای خود را برمی‌گردانند ، و آنان را می‌بینی که با تکبر روی بر می‌تابند.

خداوند متعال در این آیه شریفه روی گردانی از درخواست استغفار - درخواست شفاعت از پیامبر(ص) - را علامت نفاق دانسته است ، پس ضد یا نقیض آن ؛ یعنی درخواست استغفار - که در حقیقت همان درخواست شفاعت در دنیا است - علامت ایمان است.

بنابراین نه تنها در دنیا طلب شفاعت از پیامبر شرک نیست ، بلکه علامت و نشانه ایمان است.

### ۲. در سوره نساء آمده است :

« ولو أنهم إذ ظلموا أنفسهم جاؤك فاستغفروا الله و استغفر لهم الرسول لوجدوا الله تواباً رحيماً »<sup>۲</sup>

و اگر آنان که به خود ستم کرده بودند ، پیش تو می‌آمدند و از خدا آمرزش می‌خواستند و پیامبر نیز برای آنان طلب آمرزش می‌کرد به یقین خدا را توبه‌پذیر و مهربان می‌یافتند.

این آیه نیز به روشنی نشان‌گر طلب آمرزش از پیامبر اکرم(ص) است که همان طلب شفاعت است.

## درخواست شفاعت از دیدگاه وهابی‌ها

فرقه وهابیت مدعی هستند که درخواست شفاعت در دنیا حرام است.<sup>۳</sup> ابن عبدالوهاب می‌گوید :

<sup>۱</sup> سوره منافقون : آیه ۵.

<sup>۲</sup> سوره نساء : آیه ۶۴.

<sup>۳</sup> دانشمند بزرگ شیعه سید محسن امین عاملی در تعریف بدعت می‌گوید : « البدعة ادخال ما ليس في الدين في الدين » بدعت عبارت است از داخل گرداندن چیزی که جزو دین نیست . همچون مباح کردن حرام و حرام کردن مباح ، واجب گرداندن غیر واجب ، مستحب شمردن غیر مستحب . به عبارت دیگر تصرف در قانون الهی خواه به صورت افزایش باشد و خواه کاهش بدعات نامیده شده و بدعت‌گزار از توحید و تشریح روی گردان است.

عناصر و ملاکهای بدعت نامیده شدن یک عمل عبارتند از :

۱. [ تصرف در دین . بنابراین اگر نوآوری به دین منتسب نشود بدعت نخواهد بود و فرقی نمی‌کند که نوآوری مزبور جایز باشد ( مثل فوتبال ) و یا حرام باشد ( مثل آمیزش و اختلاط زن و مرد اجنبی )

۲. فقدان دلیل خاص یا عام شرعی . اعمال شرعی ، مشروعیت خود را از دلیل خاص و یا از دلیل عام شرعی می‌گیرند ، برخی از این ادله عام عبارتند از : قاعده نفی سبیل ، حرمت اکل باطل ، قاعده نفی حرج ، نفی اضرار . بنابراین مسائلی از قبیل بزرگداشت مولید و وفیات پیامبر از ادله کلی و عام و وجوب رعایت اموات اهل بیت پیامبر و احترام خاندان وی و تعظیم شعائر الهی قابل استفاده می‌باشند و لذا ادعای بدعت بودن پذیرفته نیست و گرنه برخورداری از تجهیزات و سلاح های جدید نظامی از قاعده کلی واعدوا لهم ما استطعتم من قوة قابل بهره‌برداری نبوده و بدعت به شمار می‌رود.

من جعل بينه و بين الله وسائط يدعوهم و يسألهم الشفاعة كفر إجماعاً...<sup>۱</sup>

هر کس بین خود و خدا واسطه‌هایی را قرار دهد که آنان را فراخواند و درخواست شفاعت از آنان نماید به اتفاق نظر همه کفر ورزیده است.

ما در رد دیدگاه آنان نخست دلیل‌های محکم و قاطعی برای مدعی خود می‌آوریم، آن‌گاه با دلیل‌های علمی و معقول ادله ارائه شده آنان را رد می‌کنیم.

پرواضح است که وهابی‌ها در هر دو مقطع عاجز و ناتوان هستند. اینک در ابتدا فقط به ارائه ادله آنان بسنده می‌کنیم. نخستین آیه‌ای که وهابی‌ها بدان استدلال می‌نمایند این آیه است که خداوند متعال می‌فرماید:

« و يعبدون من دون الله ما لا يضرهم و لا ينفعهم و يقولون هولاء شفعاؤنا عندالله قل أتنبئون الله بما لا يعلم في السموات ولا في الارض سبحانه و تعالی عما يشركون »<sup>۲</sup>

آنان غیر از خدا، چیزهایی را می‌پرستند که نه به آن‌ها زیان می‌رساند و نه سودی می‌بخشد و می‌گویند: اینان شفیعان ما نزد خدا هستند. بگو: آیا خدا را به چیزی خبر می‌دهید که در آسمان‌ها و زمین سراغ ندارد؟ او منزّه و برتر است از آن که شرک می‌ورزند.

محمد بن عبدالوهاب در مقام استدلال به این آیه می‌گوید: خداوند در این آیه خبر می‌دهد که هر کس بین خود و خدایش واسطه قرار دهد، در حقیقت آن واسطه را پرستیده و او را شریک خدا قرار داده است.<sup>۳</sup>

### پاسخ از این دیدگاه

ما در پاسخ آن می‌گوییم: به راستی که این برداشت از آیه، برداشت عجیبی است و مصداق تام افترا و دروغ بستن به خداوند متعال است. در کجای آیه آمده که واسطه قرار دادن فردی بین خود و خدا شریک جستن است؟ آیا این برداشت، مصداق این آیه نیست که می‌فرماید: «الله اذن لكم دم علی الله تفترون»<sup>۴</sup>؛ «آیا خدا به شما اجازه داده است که این احکام را صادر کنید یا با این کار بر خدا دروغ می‌بندید؟» چرا که از سویی محور آیه، عبادت غیرخداوند است؛ نه شفیع و واسطه قرار دادن غیرخدا. این نوع برداشت از آیه نوعی مغالطه برای اثبات مدّعی

<sup>۳</sup> قصد رواج در میان مردم. اندیشه تصرف مادامی که جنبه عملی به خود نگیرد اگر چه حرام می‌باشد ولی بدعت به شمار نمی‌رود.

با توجه به مطالب فوق بدعت در بسیاری از موارد که وهابیان ادعا می‌کنند جاری نمی‌شود از جمله:

الف) اموری که در راستای تحول و تکامل زندگی دنیوی و اجتماعی و معیشتی است از قبیل دستاوردهای صنعتی و دنیای مدرن.

ب) آداب و رسوم و عرفیات خاص جوامع مختلف که با توجه به فرهنگهای مختلف گونه‌های بسیاری دارد قابل ذکر است که اهل سنت بدعت را به دو بخش بدعت حسن و بدعت تقسیم می‌کنند. این تقسیم که مبنای تعریف مشخص ندارد به خلیفه دوم برمی‌گردد که اقامه نمازهای مستحب شبهای رمضان به جماعت را نعم البدعة خواند.

<sup>۱</sup> مجموعة المؤلفات ج ۱، ص ۳۸۵؛ ج ۶، ص ۶۸.

<sup>۲</sup> سورة یونس: آیه ۱۸.

<sup>۳</sup> تحفه اثنا عشریه، عبدالعزیز دهلوی: ص ۷۵۱. در این منبع آمده است: «فأخبر أن من جعل بينه و بين الله وسائط يسألهم الشفاعة فقد عبدهم و أشرك بهم و ذلك أن الشفاعة كلها لله، كما قال تعالی: «قل لله الشفاعة جميعاً» (سورة زمر: آیه ۴۴)

<sup>۴</sup> سورة یونس: آیه ۵۹.

خود، یا کج فهمی است؛ چرا که به یقین کسانی که از انبیاء، ائمه طاهرین و صالحان طلب شفاعت می‌کنند آن‌ها را نمی‌پرستند.<sup>۱</sup>

و از سوی دیگر شأن نزول این آیه نیز حکایت از این دارد که نکوهش‌شدگان کسانی بودند که وسائط را می‌پرستیدند؛ نه این که فقط آن‌ها را واسطه قرار بدهند که به شواهدی از آن اشاره می‌نماییم.

جلال‌الدین سیوطی می‌گوید: نصر - یکی از مشرکان - گفت: روز قیامت لات و عزی - دو بت مشرکان - مرا شفاعت می‌کنند. در این هنگام خداوند عز و جل این آیه را نازل کرد:

«فمن أظلم ممن افترى على الله كذباً أو كذباً بآياته إنه لا يفلح المجرمون \* و يعبدون من دون الله ما لا يضرهم و لا ينفعهم...»

پس چه کسی ستمکارتر از آن کسی است که بر خدا دروغ می‌بندد، یا آیات او را تکذیب می‌کند، به یقین مجرمان رستگار نخواهند شد. آنان غیر از خدا چیزهایی را می‌پرستند که نه به آنان زیان می‌رساند و نه سودی می‌بخشد. . .<sup>۲</sup> ابن کثیر در تفسیر و شأن نزول این آیه می‌گوید:

خداوند متعال در این آیه مشرکان را که برای او شریک قرار داده بودند و غیر او را می‌پرستیدند، انکار می‌کند. آن‌ها گمان می‌کردند که شفاعت خدایان خیالی، نزد خداوند نفعی به حالشان دارد، پس خداوند در مقابل این گمان باطل به آن‌ها فرمود: شفاعت بت‌ها نه نفعی به حال شما دارد، نه ضرری را از شما دفع می‌کند و نه آن‌ها مالک چیزی هستند و هرگز هیچ یک از گمان‌های شما درباره بت‌ها واقع نمی‌شود.<sup>۳</sup>

ابو حیّان اندلسی نیز در این باره چنین اظهار نظر کرده است:

ضمیر در فعل «يعبدون» به کفّار قریش برمی‌گردد و منظور از «ما لا يضرهم و لا ينفعهم» بت‌ها هستند که قدرت بر ایجاد نفع و دفع ضرر نداشتند. . . اهل طائف بت لات را می‌پرستیدند، و اهل مکه بت‌های عزی، منات، آسافا، نائله و هبل را می‌پرستیدند.<sup>۴</sup>

آلوسی این نوع عبادت مشرکان را جنایت می‌شمارد و می‌نویسد:

این آیه از جنایت دیگر مشرکان حکایت می‌کند و این جمله عطف بر آیه ۱۵ این سوره است که می‌فرماید: «و اذا تتلى عليهم» که آن آیه نیز درباره مشرکان بود که خداوند در این آیه این قصه را بر آن قصه عطف می‌کند. از

<sup>۱</sup> قرآن در جای جای خود برخی افعال را به غیر خدا منتسب کرده است مثل ارزا (فارز قدم منه) خلق کردن (انی اخلق لكم من الطين كهيئة الطير . . .) ابراء اکمه و ابراص، احیاء موتی، اعتاء (و ما تقموا منهم الا ان اعताهم الله و رسوله) یا شفای مریض و . . . همه این شواهد نشان می‌دهد که نسبت دادن افعال الهی به غیر خدا نمی‌تواند شرک باشد مگر اینکه انجام این امور را با لاصالة یا بالاستقلال بدانیم.

<sup>۲</sup> الدرّ المنثور: ج ۳، ص ۳۰۲.

<sup>۳</sup> تفسیرالقرآن العظیم ج ۲، ص ۴۲۶ ذیل آیه ۱۸ سوره یونس. در این منبع چنین آمده است: «بنکر تعالی علی المشرکین الذین عبدوا مع الله غیره، ظانین أن تلك الآلهة تنفعهم شفاعتها عندالله ف فأخبر تعالی أنها لا تنفع و لا تضر و لا تملك شيئاً و لا يقع شيء مما يزعمون فيها و لا يكون هذا أبداً»

<sup>۴</sup> تفسیرالبحر المحيط: ج ۵، ص ۱۳۳ ذیل آیه ۱۸ سوره یونس. در این منبع چنین نقل شده است: «الضمیر فی «و يعبدون» عاتد علی کفّار قریش الذین تقدّمت محاورتهم و ما لا يضرهم و لا ينفعهم هو الأصنام، جماد لا تقدر علی نفع و لا ضرر . . . و كان أهل الطائف يعبدون اللات و أهل مكة العزی و مناة و آسافا و نائلة و هبل»

طرفی واژه «ما» در آیه یا «ما» موصوله است و یا موصوفه و منظور از آن ، بت‌ها هستند و به آن‌ها اشاره دارد و معنای « نه ضرری به حال شما دارد نه نفعی » این است که آن‌ها قدرت بر شفاعت ندارند ؛ زیرا جماداتی بیش نیستند.

سپس آوسی می‌افزاید :

اهل طائف بت لات را می‌پرستیدند و اهل مکه بت‌های عزی ، منات ، اسافا ، نائله و هبل را می‌پرستیدند و می‌گفتند : آن‌ها شفیعان ما نزد پروردگارند.

ابن ابی حاتم از عکرمه چنین نقل کرده است : نضر بن حارث گوید : آن‌گاه که روز قیامت فرا رسد ، بت لات و عزی مرا شفاعت خواهند کرد . بعد از سخن او این آیه نازل شد.<sup>۱</sup>

## دلیل دیگر

دومین دلیل وهابی‌ها برای حرمت طلب شفاعت از غیر خدا چنین است که می‌گویند :

المیّت لا یملک لنفسه نفعاً و لا ضرراً فضلاً لمن سأله أن یشفع له إلی الله ؛<sup>۲</sup>

انسان مرده - کنایه از انبیاء ، ائمه و صالحان - نمی‌تواند هیچ نفعی را برای خود جلب و یا ضرری را از خودش دفع کند تا چه رسد به این که بخواهد برای کسی طلب شفاعت کند.

در پاسخ این دلیل می‌گوییم : ما پیش‌تر به تفصیل گفتیم که انبیای الهی ، ائمه هدایت‌گر و شهیدان زنده هستند و بهره‌مندی آنان از نعمت‌های الهی و خشنودی از آن‌چه به دست آورده‌اند ، دلیل بر حیات و زندگی مجدد آنان است.

اشتباه این فرقه همین‌جاست که گمان می‌کنند درخواست شفاعت از انبیا پس از رحلتشان، درخواست شفاعت از مردگان است . گویا این آیه شریفه را نخوانده‌اند و یا در معنای آن تدبیر نکرده‌اند و یا طبق فهم و سلیقه خود آن را - همانند دیگر آیات - تفسیر کرده‌اند ، آن‌جا که خداوند متعال می‌فرماید :

«ولا تحسبنّ الذّین قتلوا فی سبیل الله امواتاً بل أحياء عند ربّهم یرزقون \* فرحین بما آتاهم الله من فضله و یرتّبشرون بالذّین لم یلحقوا بهم من خلفهم ألّا خوف علیهم و لا هم یحزنون \* یرتّبشرون بنعمة من الله و فضل و أن الله لا یضیع أجر المؤمنین»؛<sup>۳</sup>

<sup>۱</sup> تفسیر روح‌المعانی : ج ۱۱ ، ص ۸۸ ، ذیل آیه ۱۸ یونس . در این منبع چنین نقل شده است : « و یعبدون من دون الله » . حکایة لجناية أخرى لهم ، و هی عطف علی قوله سبحانه : « و إذا تتلی علیهم » ، ( یونس : ۱۵ ) الآیة عطف قصة علی قصة و «ماء» إمّا موصولة أو موصوفة . والمراد بها الاصنام . و معنی کونها لا تضرّ و لا تنفع أنّها لا تقدّر علی ذلك لانّها جمادات ، و کان أهل الطائف یعبدون اللات ، و أهل مکه العزی و مناة و هبل و اسافا و نائله و یقولون : هؤلاء شفعاؤنا عندالله .

أخرج ابن ابی حاتم عن عکرمة قال : کان النضر بن الحارث یقول : إذا کان یوم القیامة ، شفعت لی اللات و العزی ، و فیه نزلت الآیة.

<sup>۲</sup> مجموعة المؤلفات : ج ۱ ، ص ۲۹۶ ؛ و ج ۴ ، ص ۴۲.

<sup>۳</sup> سورة آل عمران : آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱.

و هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده میندار؛ بلکه زنده‌اند و نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آن چه خدا از فضل خود به آنان داده شادمانند و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی برایشان است و نه اندوهگین می‌شوند. بر نعمت و فضل خدا و این که خداوند پاداش مؤمنان را تباه نمی‌گرداند شادی می‌کنند.

سمهودی نیز در کتاب « وفاء الوفاء بأحوال دارالمصطفی » روایاتی را دربارهٔ حیات پیامبران پس از رحلتشان نقل می‌کند، از جمله این که آمده است:

الأنبياء أحياء في قبورهم يصلون؛

پیامبران در قبرهای خود زنده‌اند و نماز می‌خوانند. در روایت دیگر می‌خوانیم:

أن الله حرم على الأرض أن تأكل أجساد الأنبياء؛<sup>۱</sup>

خداوند بدن پیامبران را بر زمین حرام کرده است که اجساد آنها را نابود کند.

در این زمینه روایات دیگری نیز وارد شده که حکایت از حیات پیامبران پس از رحلتشان دارد، بنا بر آن چه بیان شد اعتقاد این فرقه بر خلاف مسلمات اعتقادی مسلمانان است که از ده‌ها آیه و روایت برگرفته شده است. از طرفی، چون وهابی‌ها نتوانسته‌اند این دلیل‌های روشن و قاطع را رد و یا توجیه کنند، از این رو ایده و تفکر آنان بر خلاف ایدهٔ مسلمانان شده است و به تعبیر عبدالکافی سبکی، ابن تیمیه: « شدّ عن جماعة المسلمين؛<sup>۲</sup> از جمع مسلمانان و اعتقادات و آرای آنان خارج شده است »<sup>۳</sup>. ما از شرّ انحراف و وسوسهٔ شیطان و نفاق به خداوند پناه می‌بریم.

<sup>۱</sup> وفاء الوفاء بأحوال دارالمصطفی: ج ۴، ص ۱۳۴۹.

<sup>۲</sup> طبقات الشافعية الكبرى: ج ۱۰، ص ۱۴۹، مقدمة الدرّة المضيئة في الرد على ابن تیمیه، نگا: بحوث في الملل و النحل سبحانی: ج ۴، ص ۴۲، سلفیان در گذر تاریخ: ص ۲۳.

<sup>۳</sup> در زمان ابن تیمیه بزرگ تنورسین وهابیت، علماء شیعه و سنی بپاخاستند و در برابر این توطئه و تفرقه میان مسلمین، افکار ابن تیمیه را محکوم کردند، حتی برخی از بزرگان اهل سنت فتوا دادند که: من کان علی عقیده ابن تیمیه، حل ماله و دمه. آقای ابن حجر عسقلانی که از استوانه‌های علمی اهل سنت و متوفای ۸۵۲ هجری است، از یکی از قضات شافعی دمشق می‌نویسد، این بیانیه را صادر کردند و در تمام کوچه و بازار اعلام کردند: هر کس معتدات ابن تیمیه را داشته باشد، خون و مالش هدر است. (الدرر الكامنة، ج ۱، ص ۱۴۷)

ابن حجر هیثمی، که متوفای ۹۷۴ هجری و یکی از بزرگان اهل سنت عربستان و مکه مکرمه است، صراحت دارد: ابن تیمیه عبد خذله الله و اضله و اعماه و اصمه و اذله.

ابن تیمیه یک بنده‌ای است که خداوند او را خوار و گمراه و کور و کر و ذلیل کرده است. (الفتاویٰ الحدیثیه، ص ۸۶) آقای شوکانی که از استوانه‌های علمی اهل سنت است، از قول محمد بخاری متوفای ۸۴۱ هجری می‌نویسد: من اطلق القول علی ابن تیمیه: أنه شیخ الاسلام، فهو بهذا الاطلاق کافر.

هر کس به ابن تیمیه شیخ‌الاسلام بگوید، کافر است. (البدر الطائع، ج ۲، ص ۲۶۰)

## چکیده :

۱. بر اساس آیه ۵ سوره منافقون درخواست استغفار که همان درخواست شفاعت در دنیا از پیامبر است علامت ایمان می‌باشد.
۲. بر اساس اعتقاد وهابیت درخواست شفاعت از اولیاء الهی در دنیا حرام است.
۳. وهابیت برای اثبات ادعای خود به دلایلی استدلال می‌کنند از جمله آنها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:
  - آیه ۱۸ سوره یونس
  - مردگان نمی‌توانند هیچ نفعی برای خود جلب و یا ضرری را از خودش دفع کند تا چه رسد به اینکه بخواهند برای کسی شفاعت کنند.
۴. در پاسخ به شبهات آنها نکات زیر حائز اهمیت است :
  - طلب شفاعت از اولیاء الهی به معنای پرستش آنها نیست.
  - شأن نزول آیه ۱۸ سوره یونس درباره کسانی است که واسطه‌های شفاعت را می‌پرسیدند.
  - بر اساس آیات ۱۶۹ تا ۱۷۱ سوره آل عمران شهداء زنده‌اند از این منظر پیامبر(ص) اسلام به طریق اولی در حیات برزخی برخوردار بوده و می‌تواند برای مؤمنین از خداوند طلب آمرزش کند.